

ادامه از صفحه قبل

۱۱. استاد محمد رضا حکیمی

روزی در مسیر پیاده‌روی نام استاد حکیمی را بردم؛ گفتند: «ایشان را می‌شناسید؟ به سر و ظاهرش نگاه نکنید، او کاملاً ضد تصوف است؛ موی بلندش نیز نه از سر درویشی، بلکه به‌دلیل علاقه به سقراط است!» چند سال بعد، زمینه دیداری دو ساعته میان استاد حکیمی و آیت‌الله شبیری را در قم فراهم کردم. آیت‌الله به استقبال آمدند و به شوخی گفتند: «سن و سال شما از ما کمتر است!» در آن جلسه خاطراتی از مرحوم شیخ مجتبی قزوینی بیان شد؛ از جمله دعای مکتوب مجزی که ایشان برای رفع سردرد داشتند و نیز ماجرای کرامتی شگفت از کشف شهود قتل یک روستایی توسط شیخ مجتبی. در پایان، استاد حکیمی ماجرای حضور شهید مطهری در جلسات روشنفکران دگراندیش را نقل کردند که ایشان گفته بودند: «باید سخن مخالف را شنید تا بتوان پاسخ دقیق داد.»

• فصل دوم: سیره اخلاقی، تربیتی و سلوک رفتاری

۱. تواضع، مدارا و نقدپذیری

در دفتر و منزل ایشان در ساعات معین به روی همگان باز بود؛ از فضایی کهنه‌کار تا نوطلبان و عامه مردم. هر تازه واردی حق داشت اشکال کند یا سؤال پرسد. برای هر معممی تمام‌قد برمی‌خاستند. روزی روحانی فاضل اما تند‌خویی که لهجه غلیظی داشت، بلافاصله پس از نشستن آیت‌الله، شروع به طرح پرسش و مناقشه علمی کرد. آیت‌الله ابتدا کمی تندی کردند؛ اما چند دقیقه نگذشته بود، صریحاً از او عذرخواهی کرده، گفتند: «شما شخص زحمت‌کشی هستید و اشکالات علمی دقیقی دارید؛ بفرمایید سخن‌تان را بشنویم.» لبخند ملیح و چهره گل‌انداخته آن طلبه پس از این تواضع شگفت، هرگز از یادم نمی‌رود.

۲. التزام عملی به قوانین و نظام اسلامی

آیت‌الله شبیری التزام به قوانین عرفی و موضوعه نظام، از قوانین راهنمایی و رانندگی تا ضوابط ثبت رسمی احوال و ازدواج را شرعاً واجب می‌دانستند و تخلف از آن را جایز نمی‌شمردند. با این‌که حیطه اختیارات ولایت فقیه را از منظر مبانی نظری فقهی هم‌افق با حضرت امام نمی‌دانستند، اما در عمل کاملاً ملتمز و حامی ارکان نظام بودند.

نسبت به املاک مصادره‌ای احتیاط شدید می‌ورزیدند؛ وقتی یکی از دامادهای‌شان که نماینده مجلس بود، میان سکونت در خانه سازمانی مجلس و اجاره مسکن مردد شد، گفتند: «شما در هر دو عمل مخیر هستید؛ اما اگر در خانه سازمانی دولتی ساکن شوید، من به خانه‌تان پا نخواهم گذاشت!»

۳. سهولت، سادگی و اجتناب از تکلف

در راه‌رفتن سرعت شگفت‌آوری داشتند؛ به‌طوری که افراد ورزشکار نیز به سختی به گام‌های ایشان می‌رسیدند. در پوشش فارغ از تکلف‌های رایج بودند؛ گاه دکمه آستین باز بود یا پاچه شلوار به جوراب گیر کرده بود و وقتی به شوخی عرض می‌کردم که من در غیاب شما از این سادگی سخن می‌گویم، می‌گفتند: «این‌ها غیبت نیست!» عبا‌ی خویش را هنگام بارش باران بر سر می‌کشیدند و عرف‌های خودساخته را وقتی نمی‌نهادند. روزی در مسیر پیاده‌رو، دو جوان موتورسوار رکیک‌ترین ناسراها را به لباس روحانیت دادند و گریختند. بنده مضطرب شدم؛ اما ایشان حتی سر خود را نچرخاندند و بدون آن‌که رشته کلام علمی‌شان گسسته شود، به سخن خود ادامه دادند.

۴. اهتمام فوق‌العاده به حق والدین و خدمت به پدر

معظم‌له ریشه بخش عمده‌ای از توفیقات علمی و معنوی افراد را در گره‌گشایی از کار پدر و مادر می‌دانستند. نمونه بارز



آن را بازگشت شهید آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله به مشهد جهت پرستاری از والد نابینای‌شان ذکر می‌کردند. در مقابل، داستان طلبه‌ای باسواد را باز می‌گفتند که به‌رغم مراتب فضل در کهک قم، گرفتار انزوای تنگی معیشت شد؛ والد‌شان مرحوم سیداحمد زنجانی سز قضیه را چنین یافته بود که او در جوانی، پدر بیمارش را به‌بهانه ادامه درس و بحث رها کرده بود.

۵. پاک‌دستی و انضباط در مدیریت وجوهات شرعی

مدیریت دریافت و پرداخت وجوهات را با موازین بسیار دقیقی پی می‌گرفتند. اجازه ثلث دادن بدون ضابطه به واسطه‌ها را ناپسند می‌شمردند و معتقد بودند، حق برداشت هر طلبه، دقیقاً به‌اندازه سقف نیاز واقعی اوست و مازاد آن باید بازگردانده شود. از پرداخت شهریه عمومی به‌شیوه مرسوم حوزه که انگیزه درس را تحت‌الشعاع قرار دهد، دوری می‌گزیدند؛ اما شهریه فضایی مستحق و مراکز علمی عمیق مانند مدرسه فقهی امام محمدباقر علیه‌السلام را با جدیت تأمین می‌کردند. رساله عملیه را هدیه نمی‌دادند و می‌گفتند: متقاضی باید آن را خریداری کند؛ وجوهات برای تأمین رساله افراد نیست.

۶. کتاب‌دوستی و حفظ تراث

کتاب‌های تصحیح‌شده و حاشیه‌خورده خود را با سعه‌صدر به طلاب امانت می‌دادند. بنده برای خرید معجم رجال الحديث وجهی کم داشتم؛ معظم‌له فوراً مبلغ ۲۲ هزار تومان را به‌عنوان قرض پرداختند. از چاپ آثار ضعیف و بی‌مایه حوزوی شکوه داشتند و بر تصحیح نسخ خطی کهن پای می‌فشردند؛ چنان‌که نسخه خطی رساله ایضاح مخالفة السنة للكتاب والسنة علامه حلی رحمته‌الله در مجلس شورای ملی را دقیقاً با ذکر شماره نسخه از حفظ خواندند و بر چاپ آن تأکید ورزیدند.

۷. تدبیر و مدیریت در زندگی

در تعاملات خانوادگی بسیار موفق بودند و در تربیت ۱۲ فرزند صالح و فاضل توفیق یافتند. ایشان ضعف بسیاری از مؤمنین را نه در نداشتن روزی، بلکه در فقدان هنر «مدیریت و تدبیر معیشت» می‌دانستند. توکل واقعی را تفویض همراه با تدبیر عقلی برمی‌شمردند، نه بی‌پزماگی. در اثبات انساب سادات به

صرفاً مربوط به «غسل میت» است که قدما به اشتباه آن را به احياء سرایت داده‌اند.

۶. مسافت شرعی در نماز مسافر

حد مسافت شرعی را براساس نصوص «مسيرة يوم» تحلیل می‌کردند. در رساله مرقوم نموده‌اند: کمتر از ۴۰ کیلومتر نماز تمام، بیشتر از ۵۰ کیلومتر شکسته و در فاصله بین ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر، احتیاط مستحب جمع بین تمام و قصر است.

۷. قرائت سوره در نماز

خواندن یک سوره کامل را واجب ندانسته؛ بلکه قرائت چند آیه از سوره را پس از حمد، مشروط بر این‌که از ابتدای سوره همراه با بسم‌الله آغاز شود، مجزی می‌شمردند.

۸. دانش فلسفه

خواندن فلسفه را به هیچ وجه حرام نمی‌دانستند؛ اما می‌گفتند: «من ذوق و کششی به آن نداشتم»؛ یادآور شدند: مدتی در درس علامه طباطبایی شرکت می‌کردم.

۹. جایگاه عرف و پیرایش روایات

برای فهم عرفی، ارزش الایی قائل بودند؛ چنان‌که برای کشف برداشت عامه، موضوعات مستحذثه را در جمع خانواده مطرح می‌کردند. در اعتبارسنجی احادیث، تأثیر عُلقه و تمایلات فقیه را آسیب‌شناسی نموده و بر دوری از هوای نفس تأکید داشتند.

• فصل چهارم: شاخصه‌های بنیادین شخصیت علمی و مدیریتی

در یک جمع‌بندی جامع‌نگر، ویژگی‌های انحصاری آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی رحمته‌الله را می‌توان در سه مؤلفه اصیل خلاصه کرد:

۱. جامعیت کم‌نظیر

- جامعیت در روش و منابع:** پیوند استوار میان عقل سلیم و نصوص اصیل نقلی و قرآنی.
- جامعیت در دانش‌ها:** استادی کم‌نظیر در فقه، اصول، رجال، درایه، تفسیر، تاریخ و شناخت مذاهب اسلامی.
- دقت موشکافانه**
- دقت در متون و فتاوا:** صدور فتاوای بکر (مانند دومرحله‌ای‌بودن غسل تربیتی و تعیین حدود مسافت بر پایه مسیرهٔ يوم).
- دقت در به‌کارگیری الفاظ:** جایگزین ساختن واژه وزین «نیابت» به‌جای تعبیر بازارپسند «استیجارِی» در رساله عملیه.
- دقت در داوری اشخاص:** مرزبندی میان خطای علمی و انحراف عقیدتی؛ عدم خروج از اعتدال حتی درباره کسانی که مورد نقد تند حوزه بودند.

۳. مدیریت کارآمد

- ر مدیریت وقت و تراث: مطالعه پیوسته، تتبع در کتب خطی و بهره‌گیری از هر فرصت مرده (حتی مسیر پیاده‌روی حرم).
- مدیریت در خانه و نسل:** تربیت فرزندانِ برجسته و برخوردار از کمالات علمی که خود استوانه‌های حوزه هستند.
- مدیریت مناسبات با حکومت:** جمع حکیمانانه میان حفظ اصول، علاقه متقابل با ارکان نظام و در عین حال گوش‌زدکردن مشفقانه نقدها و پیکیری احوال منتقدان.

• خاتمه

بی‌شک ابعاد وجودی این فقیه صمدانی فراتر از آن است که در خاطرات شاگردی ناچیز بگنجد. تاریخ حوزه‌های علمیه، خدمات علمی، وسعت نظر و پیراستگی اخلاقی ایشان را فراموش نخواهد کرد. امید است سیره این بزرگمرد، چراغ راه پویندگان علم و اجتهاد اصیل شیعی باشد. رحمت واسعه الهی و علو درجات بر روح پرتفوَح آن عالم ربّانی و حشر ایشان با اولیای طاهرنش علیهم‌السلام باد!

رهبر معظم انقلاب، شهید امام خامنه‌ای

در آینه خاطرات

می‌شد می‌رفتیم روضه؛ روضه‌هایی که معمولاً مقدسین مشهد و آن‌هایی که روحیه انقلابی داشتند. با علمایی که تماس می‌گرفتیم در خدمت ایشان بودیم و خدمت مرحوم آیت‌الله آقای سیدپونس اردبیلی و یا بعدها خدمت مرحوم آیت‌الله میلانی و آیت‌الله قمی می‌رفتیم.

• فعالیت‌های سیاسی با شهید امام خامنه‌ای رحمته‌الله

یادم می‌آید که بعد از قیام ۴۲ رفتیم خدمت آیت‌الله میلانی رحمته‌الله که پیشنهاد می‌دادند و می‌گفتند: باید برنامه‌ریزی کرد تا اگر بخواهد قیامی صورت بگیرد، از همه‌جای ایران یک‌مرتبه قیام بشود. می‌فرمودند: «عقیده‌ام این است که بایستی آگاهی فراگیر باشد؛ چون اگر از هر منطقه‌ای جداگانه قیام کنند، شاه سرکوب می‌کند.» همچنین یادم هست یک‌بار خدمت آیت‌الله قمی رسیدیم. آیت‌الله قمی رحمته‌الله هم شجاع بود و هم تعصب دینی خاصی داشت. با رژیم هم شدیداً مخالف بود. پدرشان مرحوم حاج حسین قمی هم در زمان رضاشاه برای مسئله حجاب از مشهد به تهران آمدند و می‌خواستند، ببایند رضاشاه را از این کار منصرف کنند. یادم هست وقتی خدمت آیت‌الله قمی رسیدیم. وقتی آیت‌الله خامنه‌ای صحبت کردند، یک مقدار که گذشت آقای قمی فرمودند: می‌گویی من الآن چه کار کنم؟ الآن یادم نیست ما چه پیشنهادی دادیم؛ ولی وقتی بیرون آمدیم، آقا به من فرمودند: آمادگی ایشان کامل بود؛ به‌قدری که اگر به ایشان می‌گفتی، فردا تحت‌الحکم بیندازید، در بازار راه بیفتید و یا بگویید بازار را تعطیل کنند، ایشان راه می‌افتادند.

منبع: farsi.khamenei.ir